



علوی

زبان انگلیسی ۳

کامران معتمدی 

مجموعه کتابهای همراه علوی



سخن‌ناشر

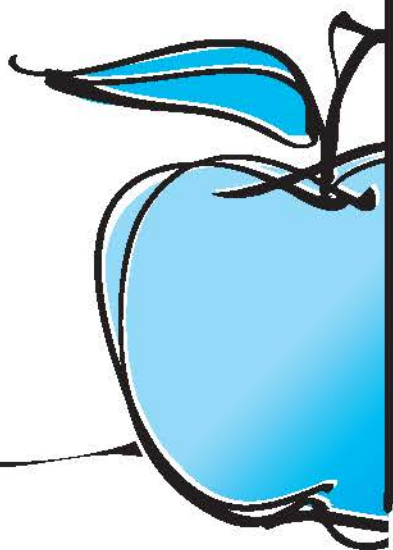
سرآغاز هر نامه نام خداست که بی نام او نامه یکسر خطاست

سپاس خدای را سزاست که اندیشهٔ انسانی را از طریق الهام با علم الهی پیوند زد و غبار تفکر بشری را با ظهور وحی ناب شست‌وشو داد و راهی رسا و نمایان در مقابل انسان گشود.

مؤسسهٔ علوی طی سالیان متمادی، با ارائه خدمات فرهنگی و آموزشی، مفتخر است که توانسته تا حد توان در راه اعتلای کیفی فرهنگ و آموزش گام بردارد و با توجه به این رسالت خطیر و جامعیت بخشیدن به برنامه‌های آموزشی خویش اقدام به تهیه مجموعهٔ حاضر نماید.

کتاب پیش رو برای دانش‌آموزان پایهٔ دوازدهم منطبق با آخرین نسخهٔ کتاب درسی تألیف شده است، همچنین این کتاب برای آمادگی و تسلط کامل بر دروس پایه دهم و یازدهم می‌تواند بسیار آموزنده و مفید باشد.

مؤلف کتاب در مقدمه به شیوایی رئوس مطالب را شرح داده است، پس سخن را کوتاه و شما را به مطالعه کتاب دعوت می‌نماییم. امیدواریم آموزش این کتاب، به رشد و شکوفایی علم و دانش و پرورش شایستگی‌ها در نسل جوان باری رساند. در خاتمه از همهٔ دست‌اندرکاران محترم که در مسیر پرفراز و نشیب تدوین و نشر کتاب زحمات فراوانی کشیده‌اند سپاسگزار می‌نماییم و از تمامی شما عزیزان خواهشمندیم جهت بهبود و ارتقای سطح کیفیت کتاب پیشنهادات و انتقادات خود را از طریق سایت alavi.ir و شماره های تماس ذکر شده در صفحه شناسنامه با ما در میان بگذارید.



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

این کتاب را به مادر عزیزم تقدیم می‌کنم.
کتاب حاضر مجموعه کاملی از تست‌های تألیفی «مشابه کنکور» و برخی از تست‌های «کنکورهای گذشته» می‌باشد که از پایه‌های دوازدهم طرح شده‌اند. آنچه این اثر تألیفی را پربارتر و نسبت به سایر کتاب‌های مشابه در بازار متمایز ساخته است درسیات جامع گرامر و فهرست بی‌کم و کاست واژگان است که در ابتدای هر درس آمده‌اند و پاسخ‌نامه واقعاً تشریحی که به انتهای سوالات تستی هر درس اضافه شده‌اند. در این مقدمه به توضیح مختصری درباره هر یک می‌پردازیم:

۱- درسیات گرامر: نکاتی که در این درسیات آمده‌اند فراتر از حیطه آموزشی کتب درسی پایه دوازدهم هستند. یادگیری دقیق این نکات برای داوطلبی که به رتبه‌های درخشان می‌اندیشد ضرورت دارد چرا که تجربه چند سال اخیر به خوبی نشان می‌دهد که طراحان کنکور هرگز خود را به مطالب کتاب‌های درسی محدود نمی‌کنند.

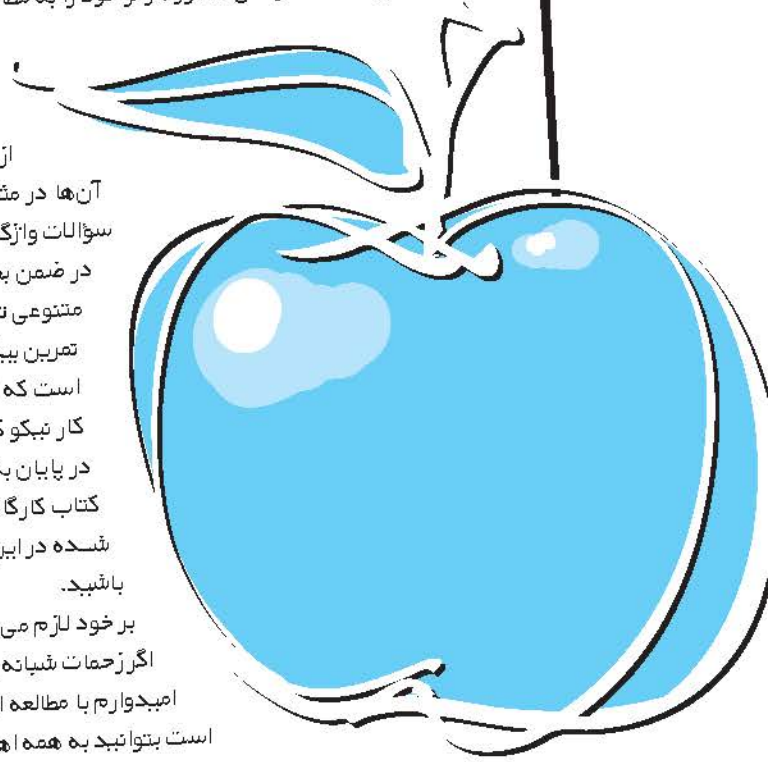
۲- درسیات واژگان: واژگان در سه ستون واژه‌ها، معانی و مثال‌ها درج شده‌اند که یادگیری آن‌ها را ساده‌تر و ریشه‌دارتر می‌سازد. در چند سال اخیر سوالات بسیاری نه از عین کلمات به کار رفته در کتاب، بلکه از هم‌خانواده‌های آن‌ها طرح شده‌اند. دانستن معانی آن‌ها و توجه به کاربرد آن‌ها در مثال‌های ارائه شده در این درسیات اعتماد به نفس شما را در پاسخ‌گویی به سوالات واژگان بالا می‌برد.

در ضمن بخشی تحت عنوان «mixed tests» در انتهای کتاب آمده است که مجموعه متنوعی تست‌های گرامر، واژگان، کلوز تست و درک مطلب می‌باشد. این بخش برای تمرین بیشتر افزایش مهارت شما در پاسخ‌گویی به سوالات کنکور در نظر گرفته شده است که امیدوارم با صبر و حوصله به تمامی سوالات آن پاسخ دهید چرا که کار تکیه کردن از پر کردن است.

Practice makes perfect.
در پایان به شما توصیه می‌کنم که پیش از پاسخ‌گویی به سوالات درک مطلب این کتاب کارگاه‌های درک مطلب موجود در جلد اول را به دقت مرور نمایید تا با فتون ذکر شده در این کارگاه‌ها عملکرد مطلوب‌تری در پاسخ‌گویی به سوالات این بخش داشته باشید.

بر خود لازم می‌دانم که بار دیگر از کادر پرنشاط و دلسوز انتشارات علمی‌نشر تعظیم که اگر زحمات شبانه‌روزی این عزیزان نبود کتاب حاضر با این کیفیت مطلوب به چاپ نمی‌رسید. امیدوارم با مطالعه این کتاب که حاصل سال‌ها تدریس بنده و نگارش ۲۲ جلد کتاب آموزشی است بتوانید به همه اهدافتان برسید و در آزمون زبان کنکور به خوبی بدرخشید.

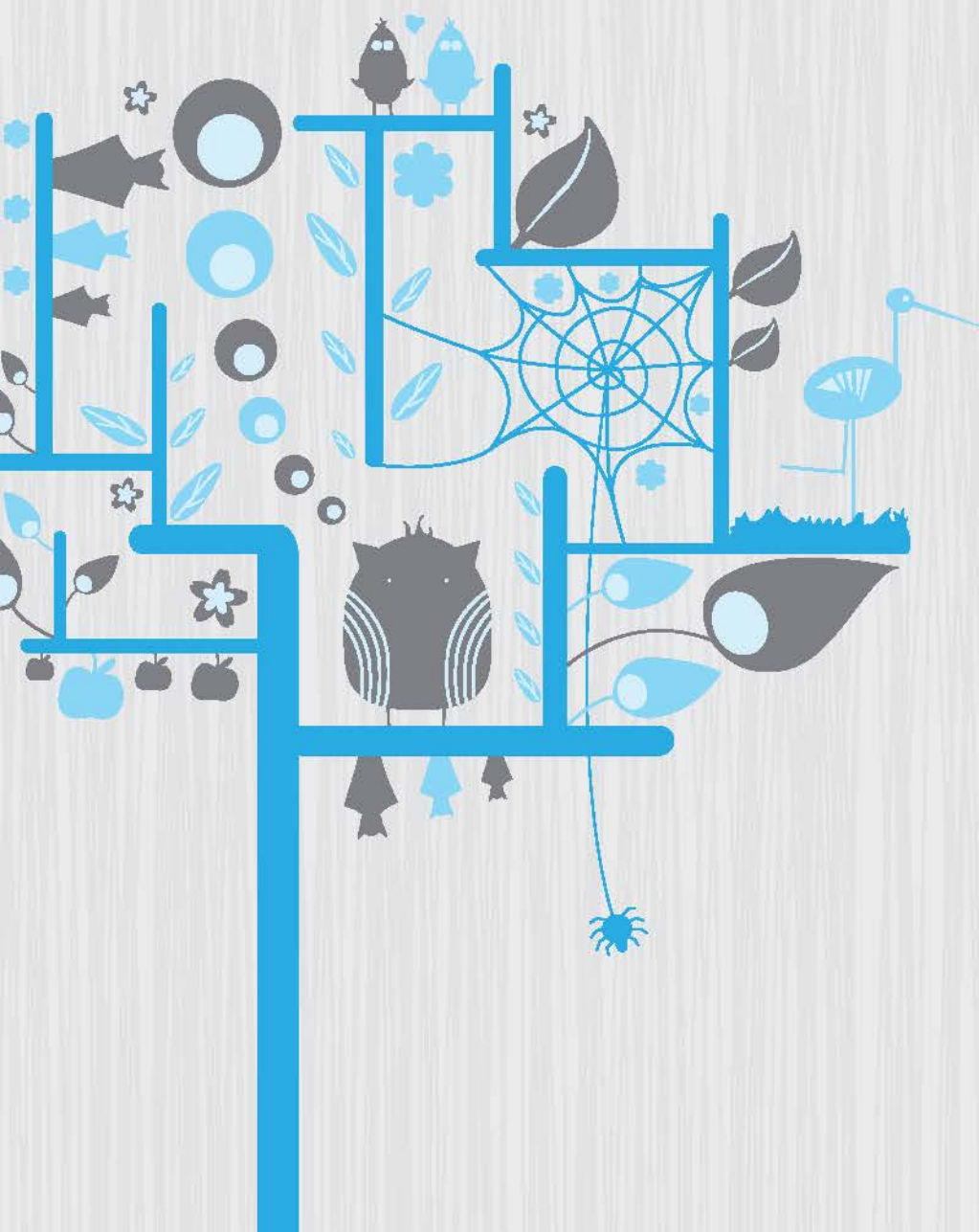
با آرزوهای نیک - تابستان ۹۷
کامران معتمدی



تقدیم به:

همه آن‌ها که تا امروز در مسیر آموزش تلاش کرده‌اند.

و شما که قرار است در آینده نزدیک، نقش علمی مهمی ایفا کنید.

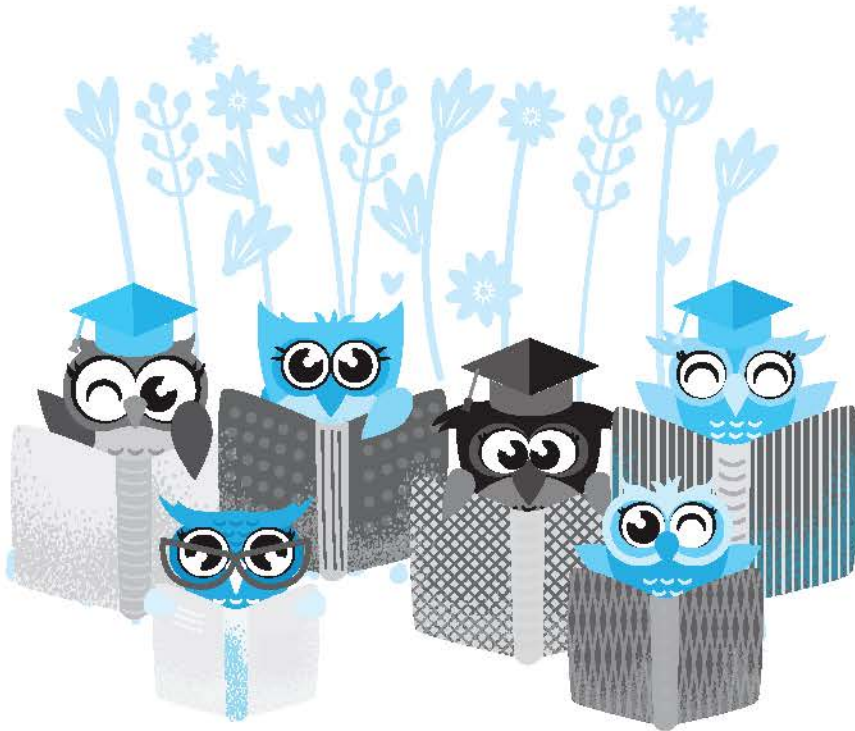


CONTENTS



زبان انگلیسی ۳

Lesson 1: Sense of Appreciation	7
Lesson 2: Look it Up!	89
Lesson 3: Renewable Energy	173
Mixed Tests	258
Sample Tests	338
Irregular Verbs	352
Pronunciation Symbols	359



Lesson 1

Sense of Appreciation



زبان انگلیسی ۳





words 	Meanings 	☆ Examples
1) appreciation / əˌpri:ʃi'eɪʃən / (n)	قدردانی، فهم، درک	☆ sense of <u>appreciation</u>
2) lower / 'ləʊər / (v,adj)	پایینی، زیرین، پایین آوردن، پایین آمدن، کم کردن / شدن ≠ upper,raise reduce	☆ <u>lowering</u> the prices / her voice ☆ Her voice / the prices <u>lowered</u> . ☆ <u>lower</u> lip
3) boost / bu:st / (n,v)	تقویت کردن، بالا بردن، افزایش دادن، حمایت کردن، تقویت کمکه حمایت، افزایش، ترقی	☆ <u>boost</u> sb's confidence / the country's economy ☆ He <u>boosted</u> her up / gave her a <u>boost</u> . ☆ a <u>boost</u> to the economy
booster (n)	تقویت کننده، حامی	☆ confidence <u>booster</u> ☆ the school's <u>booster</u> club
4) strength / strenθ / (n)	≠ weakness قدرت، توان، نیرو	☆ physical <u>strength</u>
strengthen (v)	≠ weaken نیرو دادن / گرفتن شدت یافتن، شدت بخشیدن به	☆ The wind <u>strengthened</u> during the night. ☆ measures to <u>strengthen</u> the economy
5) elderly / 'eldərli / (adj)	مسن، سالخورده	☆ an <u>elderly</u> woman
the elderly (n.pl)	افراد مسن	☆ the young and the <u>elderly</u>
elder (adj, n)	بزرگتر، ارشد، پیر	☆ his <u>elder</u> son / brother ☆ respecting our <u>elders</u>

6) teenager / 'ti:neɪdʒər / (n)	نوجوان	☆ a magazine aimed at <u>teenagers</u>
teenage (adj)	(مربوط به) نوجوان، نوجوانی	☆ my <u>teenage</u> son ☆ the <u>teenage</u> years
7) babysit / 'berbɪst / (v)	بچه نگه داشتن	☆ He's <u>babysitting</u> the neighbour's children.
babysitting (n)	پرستاری بچه	☆ a <u>babysitting</u> service
babysitter (n)	پرستار بچه	☆ We couldn't find a <u>babysitter</u> for last night.
8) grandchild / 'græntʃaɪld / (n)	نوه	☆ <u>babysitting</u> grandchildren
9) select / sə'lekt / (v)	choose, pick انتخاب کردن	☆ He was <u>selected</u> for the national team.
selection (n)	choice, range انتخاب، گزیده، مجموعه	☆ the <u>selection</u> of a new leader ☆ a <u>selection</u> of readers' comments ☆ There's a big <u>selection</u> to choose from.
make a selection	choose, select make a choice انتخاب کردن	☆ Students can <u>make a selection</u> from a range of materials.
selective (adj)	منتخبه، گزینشی، سختگیر	☆ <u>selective</u> method / schools
selectively (adv)	به طور گزینشی	☆ Clothes are <u>selectively</u> chosen for quality.
selectivity (n)	گزینش	☆ Schools are tending towards greater <u>selectivity</u> .



10) take care of	look after, care for مراقبت کردن از	☆ We must <u>take care of</u> elderly people.
11) go through	examine بررسی کردن	☆ We'll go through the <u>details</u> .
12) lazy / 'leɪzi / (adj)	تنبل، (وقت) توأم با تنبلی یا بی‌کاری	☆ the <u>laziest</u> boy in the class ☆ <u>lazy</u> days
lazily (adv)	با تنبلی، به‌کندی	☆ He studies his books <u>lazily</u> .
laziness (n)	تنبلی	☆ He was punished at school because of <u>laziness</u> .
laze (v)	تنبلی کردن، لم دادن، ول گشتن	☆ We <u>lazed</u> around all day long. ☆ <u>lazing</u> in the sun
13) loving / 'lʌvɪŋ / (adj)	مهربان، با محبت، محبت‌آمیز	☆ <u>loving</u> family / parents / care
lovingly (adv)	عاشقانه، از روی عشق	☆ She smiled at him <u>lovingly</u> .
14) temperature / 'tempərətʃər / (n)	دما، تب	☆ The nurse took my <u>temperature</u> . ☆ He has a <u>temperature</u> .
15) physician / fi 'zɪʃən / (n)	doctor پزشک	☆ Dr. Gharib was a famous <u>physician</u> .
16) regard / rɪ 'gɑ:rd / (n,v)	توجه، احترام، در نظر گرفتن، محسوب کردن، نگاه کردن respect, consider	☆ One must show / pay proper <u>regard</u> for the law. ☆ She stood back and <u>regarded</u> him coldly. ☆ He was <u>regarded</u> as a great physician.

with / in regard to sth	در ارتباط با، در خصوص، نسبت به relating to	☆ our foreign policy <u>with regard to</u> Iraq
in this / that regard	در این مورد	☆ I have nothing to say <u>in this regard</u> .
regards (n.pl)	سلام، درود	☆ My father sends his <u>regards</u> .
regarding (prep)	در مورد concerning, with regard to	☆ <u>regarding</u> your work
regardless (of) (adv)	بدون توجه (به)	☆ all students <u>regardless of</u> their age
17) dedicated / 'dedɪkətəd / (adj)	متعهد، دلسوز devoted	☆ a <u>dedicated</u> teacher
dedicate (v)	وقف کردن، اختصاص دادن، (کتاب و...) تقدیم کردن devote	☆ She <u>dedicated</u> herself to helping the poor. ☆ The company <u>dedicated</u> \$50,000 for the study. ☆ The book was <u>dedicated</u> to his wife.
dedication (n)	تعهد، وقف، ایثار، اختصاص، (کتاب و...) اهدا devotion	☆ I admire his <u>dedication</u> to the job.
18) spare / sper / (v)	(وقت، پول و...) اختصاص دادن، دادن، دریغ کردن (از)، معاف کردن از، رحم کردن به، زنده نگه داشتن، باقی گذاشتن	☆ Can you <u>spare</u> me \$10 / ten minutes? ☆ He <u>spared</u> no pains to cure them. ☆ I wanted to <u>spare</u> them the trouble of buying me a present. ☆ Only one house / soldier was <u>spared</u> .



spare (adj)	extra thin	اضافی، یدکی، (وقت) آزاد (شخص) لاغر	☆ <u>spare</u> time / key / tyre / boy
sparing (adj)		صرفه‌جو، مقتصد	☆ We must be <u>sparing</u> with our resources.
sparingly (adv)		با صرفه‌جویی، کم	☆ We must use our resources <u>sparingly</u> .
19) distinguished / dr' stɪŋgwɪʃt / (adj)		موفق، ممتاز، سرشناس	☆ a <u>distinguished</u> career / person
distinguish (v)		تشخیص دادن، فرق گذاشتن، متمایز کردن differentiate	☆ <u>distinguish</u> between right and wrong ☆ a <u>distinguishing</u> factor / mark ☆ What was it that <u>distinguished</u> her from her classmates?
distinguishable (adj)		قابل تشخیص	☆ The cheese is easily <u>distinguishable</u> by its color.
20) regretful / rɪ' gretfəl / (adj)	sorry	پشیمان، تأسف‌آمیز، حاکی از تأسف	☆ a <u>regretful</u> look / person
regretfully (adv)		با تأسف، متأسفانه	☆ "I must go," he said <u>regretfully</u> .
regret (n,v)		تأسف، پشیمانی، متأسف بودن از، پشیمان بودن از	☆ I <u>regret</u> leaving school so young. ☆ I have no <u>regrets</u> about leaving.
regrettable (adj)	unfortunate	تأسف‌آور	☆ a very <u>regrettable</u> mistake

regrettably (adv)	regretfully متأسفانه، به طرز تأسفآوری	☆ <u>Regrettably</u> , he will not be able to come.
21) excuse / ɪk'skju:z / (v)	forgive بخشیدن	☆ I'll <u>excuse</u> you this time.
excuse me	pardon me معذرت می‌خواهم، ببخشید.	☆ <u>Excuse me</u> , who is that man?
excuse (n)	بهانه، توجیه	☆ What's your <u>excuse</u> for being late?
excusable (adj)	forgivable قابل توجیه، بخشیدنی	☆ an <u>excusable</u> mistake
22) center / 'sentər / (n)	مرکز	☆ a shopping <u>center</u>
central (adj)	مرکزی	☆ <u>Central</u> America
centrally (adv)	به طور مرکزی، در مرکز	☆ Our office is <u>centrally</u> situated.
centralize (v)	تمرکز دادن، تمرکز یافتن	☆ a <u>centralized</u> system of government
23) diploma / dɪ'plɒmə / (n)	دیپلم، گواهینامه	☆ high school / college <u>diploma</u>
24) found / faʊnd / (v)	establish تأسیس کردن	☆ The college was <u>founded</u> many years ago.
founder (n)	مؤسس، پایه‌گذار	☆ Who was the <u>founder</u> of this college?
foundation (n)	تأسیس، مؤسسه، زیربنای شالوده	☆ the <u>foundations</u> of the house ☆ the British Heart <u>Foundation</u> ☆ the <u>foundation</u> of the college / his theory
25) generous / 'dʒenərəs / (adj)	≠ mean بخشنده، سخاوتمندانه	☆ being <u>generous</u> to the kids / with his time



26) pity / 'pɪti / (n,v)	ترجمه، دلسوزی، مایه تأسف، تأسف خوردن برای، دل (کسی) سوختن برای	☆ It's a <u>pity</u> that he didn't accept the job. ☆ He was so upset that I started to take / have <u>pity</u> on him. ☆ Sam <u>pitied</u> his grandfather there alone.
pitying (adj)	ترجمه‌آمیز، تأسف‌بار	☆ She gave me a <u>pitying</u> look.
pitiable (adj)	ترجمه‌انگیز، فلاکت‌بار	☆ in a <u>pitiable</u> state
pitiful (adj)	رقت‌انگیز، اسفبار، خیلی کم، ناچیز	☆ a <u>pitiful</u> sight / amount / performance
pitifully (adv)	به طرز رقت‌انگیزی، به‌طور اسفباری	☆ The dog was <u>pitifully</u> thin.
pitiless (adv)	cruel بی‌رحم، بی‌رحمانه	☆ a <u>pitiless</u> boss / attack
27) professor / prə'fesər / (n)	پروفسور، استاد	☆ a university <u>professor</u>
28) textbook / 'teksbʊk / (n)	کتاب درسی	☆ a biology <u>textbook</u>
29) by the way	راستی	☆ <u>By the way</u> , have you seen my keys anywhere?
30) sofa / 'sɒfə / (n)	couch کاناپه	☆ He sits on the <u>sofa</u> and watches TV all the time.
31) pigeon / 'pɪdʒən / (n)	کبوتر	☆ She feeds the <u>pigeons</u> in the park.
32) shout / ʃaʊt / (v,n)	scream, yell فریاد، فریاد زدن	☆ <u>shouting</u> at the children / for help ☆ a warning <u>shout</u>

shouting (n) [u]	فریاد	☆ We heard a lot of <u>shouting</u> .
33) hard of hearing	کاهشنوا	☆ My grandmother is <u>hard of hearing</u> .
34) hug / hʌg / (n,v)	آغوش، در آغوش گرفتن، بغل کردن embrace	☆ Paul gave me a big <u>hug</u> . ☆ We <u>hugged</u> each other.
35) lap / læp / (n)	knee آغوش، بغل، زانو	☆ The little girl sat on her mother's <u>lap</u> .
36) burst / bɜ:rst / (n,v) (burst- burst- burst)	انفجار، ترکیدگی، فوران، ترکیدن، منفجر کردن، ترکاندن	☆ a <u>burst</u> in the water pipe ☆ <u>burst</u> of anger ☆ The water pipe <u>burst</u> . ☆ Don't <u>burst</u> that balloon! ☆ <u>bursting</u> with anger / energy / excitement
burst into	زیر ... زدن، شروع به ... کردن	☆ <u>burst into</u> tears / laughter / song
37) tear / tɪr / (n)	اشک	☆ The children were all in <u>tears</u> .
tear / ter / (v) (tear- tore- torn)	ripping پاره کردن / شدن	☆ Be careful not to <u>tear</u> the paper. ☆ The paper <u>tears</u> easily.
tearful (adj)	گریان، اشک‌آلود	☆ She suddenly became <u>tearful</u> . ☆ a <u>tearful</u> farewell
tearfully (adv)	گریان، با چشمانی پراشک	☆ She looked at me <u>tearfully</u> .
38) cry / kraɪ / (n,v)	فریاد، گریه، فریاد زدن، گریه کردن	☆ The boy began to <u>cry</u> . ☆ He let out / gave a sharp <u>cry</u> . ☆ It's good to have a <u>cry</u> sometimes.



<p>39) score / skɔ:ɪ / (n,v)</p>	<p>امتیاز، نمره، امتیاز گرفتن، گل زدن، نمره گرفتن / دادن</p>	<p>☆ a <u>score</u> of 3-2</p> <p>☆ The school's test <u>scores</u> have not improved.</p> <p>☆ He has <u>scored</u> 12 goals this season.</p> <p>☆ She <u>scored</u> an average of 9.9 in the test.</p> <p>☆ The tests are <u>scored</u> by best teachers.</p>
<p>40) repeatedly / ɪˈpi:tədli / (adv)</p>	<p>بارها، به کرات</p>	<p>☆ He was <u>repeatedly</u> warned not to work so hard.</p>
<p>41) time / taɪm / (n)</p>	<p>زمان، دفعه، بار</p>	<p>☆ a long period of <u>time</u></p> <p>☆ How many <u>times</u> did you take your driving test?</p>
<p>42) forgive / fəˈɡɪv / (v) (forgive- forgave- forgiven)</p>	<p>بخشیدن، عفو کردن</p>	<p>☆ I've tried to <u>forgive</u> him for what he said.</p>
<p>43) vase / veɪs, veɪz / (n)</p>	<p>گلدان</p>	<p>☆ Put the flowers in the <u>vase</u>.</p>
<p>44) calmly / ˈkɑ:mli / (adv)</p>	<p>به آرامی، با ملایمت</p>	<p>☆ He always speaks <u>calmly</u>.</p>
<p>45) diary / ˈdaɪəri / (n)</p>	<p>journal دفتر خاطرات، (دفتر) سررسید</p>	<p>☆ I've kept a <u>diary</u> for 3 years.</p>
<p>46) record / ɪˈkɔ:rd / (v)</p>	<p>ثبت کردن، ضبط کردن</p>	<p>☆ He <u>records</u> his thoughts or feelings in his diary.</p> <p>☆ I'll <u>record</u> the film.</p>